

جایگاه آیات قرآن در تحلیل فتوحات اعراب مسلمان در ایران

محمد حسن بیگی؛* رضا محمدی؛** علی زارعی***

چکیده

مسئله فتوحات اعراب مسلمانان در ایران یکی از مسائلی است که هنوز ابعاد آن به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است و پرسش‌های بسیاری در این خصوص وجود دارد. یکی از پرسش‌های بنیادین در این زمینه این است که آیات قرآن کریم چه جایگاهی را در روند فتوحات ایران داشته است؟ مدعای پژوهش پیش‌رو بر این است که آیات قرآن به عنوان کتاب راهنمای مسلمانان، نقشی اساسی در نوع نگاه و عملکرد اعراب در روند فتوحات در ایران و پیروزی آنان بر دولت ساسانی داشته است که در این جا تلاش می‌شود با خوانش مجدد متون تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، جایگاه آیات قرآن در دستگاه محاسباتی و فضای ذهنی اعراب مسلمان بازسازی، و به نقش آن در پیروزی‌های مسلمانان در روند فتوحات پرداخته شود. به نظر می‌رسد مسلمانان در الهام‌گیری از آیات قرآنی در عرصه نبرد بهره فراوانی بردند. آنان با نویدهای پیروزی که به مسلمانان در آیات قرآنی داده شده بود روحیه می‌گرفتند و از اندیشه شراء نفس که به معنای فدا کردن خود بود روحیه ایثار و شهادت‌طلبی را تحریض می‌نمودند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، فتوحات، اعراب مسلمانان، تاریخ ایران، ساسانیان.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک. mohaamad.beigi@gmail.com

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

reza.muhammadi90@gmail.com

*** دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

ali.zareei@chmail.ir

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

۱. مقدمه

صرف نظر از تعریف و انواع و روش‌های جامعه‌شناسی دین که در این مقال جای صحبت از آن نیست؛ یکی از مسائل عمده جامعه‌شناسی دین، تغییرات اجتماعی است؛ البته نه به مفهومی که مارکس و نئو مارکسیست‌ها بدان قائل بودند. آنان یک تعریف انقلابی از تغییرات اجتماعی را مد نظر داشتند (اسکات و هال، ۱۳۸۲: ۶۸-۷۵)؛ اما منظور ما از تغییرات اجتماعی، تغییراتی است که در روش و بینش اعراب مسلمان صورت گرفت تا بتوانند ایران دوره ساسانی را فتح نمایند. از این رو می‌توان گفت ظهور اسلام در شبه‌جزیره عربستان عامل ایجاد تغییر در تمدن و فرهنگ خاورمیانه و شمال آفریقا تا به امروز شد. قرآن کریم به عنوان چارچوب دین مبین اسلام عامل این تغییر بود که توسط پیامبر بر مردم ابلاغ گردید. این تغییرات در ابعاد مختلف سیاسی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بود. هرچند بخشی از این تغییرات، ریشه در احیای عناصر فرهنگی مثبت عرب، مثل سنن ابراهیمی داشت؛ اما، اتحاد قبایل مختلف عرب در زیر پرچم اسلام، شاید مهم‌ترین این تغییرات باشد. پیروزی سپاهیان به ظاهر ضعیف و آسیب‌پذیر اعراب در مقابل ارتش سازمان‌یافته و نیرومند ساسانی امری دور از ذهن به نظر می‌رسید. تحلیل‌های مختلفی از شکست دولت ساسانی در مقابل اعراب ارائه شده است که بیش‌تر معطوف به بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران است که خود نشان از آن دارد که در تحلیل این موضوع تمایل و توجه عمده، به ساختارهای کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. بی‌تردید یکی از موضوعاتی که در تحلیل این مسأله می‌تواند راهگشا باشد جایگاه آیات قرآن در تحلیل این فتوحات دارد. در متون تاریخی مربوط به فتوح، شاهد گزارش‌های هستیم که اعراب مسلمان بخشی از الگوهای رفتاری و گفتاری خود را از قرآن کریم الهام گرفته و به قرآن استناد نموده‌اند؛ از همین رو، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا با خوانش مجدد و دقیق متون تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به جایگاه آیات قرآن در دستگاه محاسباتی و فضای ذهنی اعراب مسلمان و نوع عملکرد آن‌ها در روند فتوحات در ایران بپردازد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیات قرآن چه نقشی در روند فتوحات اعراب مسلمانان در ایران داشته است؟

در پاسخ به سؤال فوق می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که با توجه به جایگاه قرآن کریم در نزد مسلمانان به عنوان جامع‌ترین کتاب آسمانی و دستورالعمل آیین مسلمانی، آیات این کتاب الهی در نوع نگرش و عملکرد اعراب مسلمان در روند فتوحات نقش بسزایی ایفا نموده است. از جمله بایستی به آیات هجرت و جهاد در راه خدا، وعده پیروزی، وعده پاداش، مشورت در امور، وحدت و انسجام و غیره اشاره کرد که نه تنها در نوع عملکرد و محاسبات اعراب در عرصه نبرد تأثیرگذار بوده، بلکه یکی از سرچشمه‌های فکری اندیشه فتوحات، نیز بوده است.

به لحاظ پیشینه پژوهش نیز باید خاطر نشان کرد، این موضوع تاکنون به عنوان پژوهشی مستقل و با رهیافتی تحلیلی، مورد کنکاش و بررسی محققان و پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ ایران قرار نگرفته است؛ اما در برخی نوشته‌ها از جمله مقاله‌ای با عنوان «جایگاه امور فرامادی در تحلیل فتوحات اعراب در ایران» از مجید حاجی بابایی و علی زارعی به آیات مربوط به وعده پیروزی توجه شده است. با این حال به دیگر آیات مؤثر در روند فتوحات پرداخته نشده است. لذا سعی پژوهش حاضر بر کالبد شکافی دقیق مسأله با استفاده از متون و منابع موثق تاریخی است.

۲. جایگاه جهاد در آیات و نقش آن در تحریض مسلمانان

مفهوم جهاد به زمان پیامبر (ص) و پس از هجرت ایشان به مدینه و در رویارویی با مشرکان مکه باز می‌گردد. اما این که کدام آیات بر ایشان نازل گردید و این که دقیقاً در چه زمانی بود، به طور دقیق مشخص نیست. به طور مثال ابن هشام به نقل از سیره ابن اسحاق می‌آورد: «درست در اوائل ماه صفر یعنی دوازدهمین ماه ورود او به مدینه بود که طبق دستوری که از جانب خدای تعالی باو رسید با جمعی از مهاجرین برای جنگ با مشرکین از شهر مدینه خارج شد» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۳۹۲). اما واقدی در کتاب *المغازی* بدون ذکر زمان شروع نبرد، نخستین گروه مجاهد در راه اسلام را به فرماندهی حمزه بن عبدالمطلب معرفی می‌نماید (واقدی، ۱۳۶۹: ۶). در کنار این دو روایت، روایتی دیگر، آیه ۳۹ سوره حج را، آیه ابتدایی جهاد می‌داند که راوی آن یعقوبی و بیهقی هستند. نقل شده است که «سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می‌کند که نخستین آیه‌ای که در مورد جنگ نازل شده این آیه است: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يِقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» چون بر آن‌ها ستم شد، دستور داده شد که کارزار نمایند بدرستی که خدا بر نصرت

دادن ایشان تواناست» (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰۳/۱؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۰۴/۲). به نظر می‌رسد که نظر بیهقی درست است که می‌گوید مسلمانان در ابتدا اجازه نداشتند که با همه کافران جنگ کنند و یا ایشان جنگ را آغاز نمایند؛ بلکه فقط مأمور بودند با کسانی جنگ کنند که به جنگ ایشان می‌آمدند و یا با کسانی که با ایشان درگیری پیدا می‌کردند و آن‌ها نسبت به مسلمانان ظلم می‌کردند و یا در اخراج ایشان از سرزمین‌های خود دست داشتند (همان، ۲۰۷). در نتیجه در قالب جدید حکم جهاد که قبلاً واجب نبود، بلکه مباح بود واجب گردید و این آیات نازل شد: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (بقره: ۲۱۶)، «نوشته شد بر شما کارزار کردن و آن مشقت است برای شما و شاید که ناخوش دارید چیزی را و آن بهتر باشد بر شما» (همان، ۲۰۸).

از این رو با واجب شدن جهاد در دوره پیامبر (ص) پیروزی‌های بسیاری نصیب مسلمین گردید و جزء یک بار شکست در غزوه احد، تقریباً در دیگر غزوات مسلمین پیروز میدان نبرد و یا پیروز نهائی آوردگاه بودند (طبری، ۱۳۵۶: ۱/۲۷۷). بدین جهت باید گفت حکم جهاد یکی از عوامل اصلی پیروزی مسلمین در نبرد از دوره پیامبر و در دوره فتوحات بود. ابن خلدون بر این عقیده بود که «تازیان آن روزگار در راه جهاد جان‌سپاری می‌کردند؛ زیرا بشکیبایی و تحمل در این راه شیفته بودند و نیز بدان ایمان راسخی داشتند» (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/۵۲۴).

ابوبکر در ابتدای خلافت خویش با مرتدان با تفکر جهاد برخورد نمود (همان، ۱۳۶۳: ۱/۴۷۹). او در این باره می‌گوید: «از جهاد در راه خدا و انانید که هر قومی از جهاد بماند ذلیل شود» (طبری، ۱۳۷۵: ۴/۱۳۳). ابوبکر پس از دفع خطر مرتدان و آغاز فتوحات عراق، نامه‌ای به خالد نوشت و جهاد را بر آنان واجب شمرد «بعد از آفرین و ثنا و شکر و دعا، درود بر خالد بن ولید و آن جماعت صحابه که در صحبت اویند از مهاجر و انصار و از عقب‌آمدگان ابرار؛ بدانید که خدای - عزّ و جلّ- جهاد در راه خویش بر بندگان فرض گردانیده است و قرآن مجید بدان ناطق و رسول او محمد مصطفی (ص) در آن باب تحریض فرموده، چنان‌که در اخبار وارد است. ای بندگان خدا، به وعده او واثق باشید و در امتثال فرمان بکوشید و به جهاد رغبت کنید اگر چه موانع آن بزرگ است و راه دشوار «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه: ۴۱)، (کوفی، ۱۳۷۲: ۴۸). در توضیح این آیه باید گفت که آن درباره کسانی بود که به کثرت مشغله و کارهای متفرقه متعذر شده و از حرکت به سوی جنگ خودداری می‌نمودند؛ اما خدا عذرشان را نمی‌پذیرد و

به هر حال باید حرکت کنند. محمد بن ابراهیم بن محمد بن یحیی با اسناد به انس [بن مالک] روایت می‌کند که وقتی ابو طلحه آیه مورد بحث را قرائت کرد، گفت: خدا عذر احدی را نمی‌شنود و برای جهاد عازم شام شد و همانجا درگذشت (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

عمر نیز موازی با سیاست ابوبکر سعی در تحریض مردم به جهاد با ایرانیان داشت و آنان را به نبرد در جبهه عراق تحریض می‌نمود: «بشتابید به مقاتله کفار عجم و بدانید که در ضمن آن غزا و جهاد، گنج‌های کسری و سلاطین فرس به دست شما خواهد آمد. تا رنج مجاهدت نکشید، غنیمت و آب نیابید. تا به شداید محاربت تحمل نکنید، سعادت دنیا و آخرت به چنگ نیارید. من شما را بدان غزا و جهاد می‌خوانم، اجابت کنید و به جدی تمام و رغبتی صادق و عزیمتی ثاقب روی بدان کار آرید و تغافل و تکاسل ننمایید تا هم ظفر و غنیمت یابید و هم ثواب و ثبوت» (کوفی، ۱۳۷۲: ۹۴؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۰۷). به نظر می‌رسد مسأله جهاد در نزد عمر از چنان اهمیتی برخوردار بود که یکی از معیارهای وی برای تعیین مقرری مسلمین شناخته شد (واقفی، ۱۳۷۴: ۳/۲۵۶؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۳۰). همچنین ایجاد زیر ساخت‌هایی چون دارالهجرت و جهاد که همان شهرهای کوفه و بصره از نمونه‌های عینی آن هستند از دیگر سیاست‌های عمر جهت تشویق به جهاد در جبهه ایران به شمار می‌رفت. او به فرمانده خود نوشت «بجای خود باش و پارسیان را تعقیب مکن و برای مسلمانان خانه هجرت و منزلگاه جهادی درست کن و شط را میان من و مسلمانان فاصله مکن» (طبری، ۱۳۷۵: ۵/۱۷۵۵).

از جمله روایت‌های مشهور در دوره عمر خبر شکست نبرد جسر بود. مسلمانان در آن نبرد از ایرانیان شکست خوردند و متوسل به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره انفال شدند که درباره فراریان از جنگ می‌فرماید: «هزیمت‌یان شبانگاه به مدینه باز آمدند و در خانه‌های خویش پنهان شدند و همی زار بگریستند و گفتند: همانا کافر شدیم که پشت به اعدا کردیم و از جهاد بگریختیم چه خدای فرموده: «یا ایها الذین آمنوا إذا لقیتم الذین کفروا زحفاً فلا تولوهم الأدبارَ و من یولهم یومئذ دبره إلا متحرراً لقتالاً أو متحیزاً إلی فئه فقد باء بغضب من الله و ماواه جهنم و بس المصیر» (انفال: ۱۵-۱۶). معنی آیه این است که پشت به جهاد مکنید و قوی‌حال باز قتال کنید، و هر که جز این اندیشد و از جهاد روی بگرداند، در جهنم جای کند. روایت است معاذ انصاری هر شب این آیه را بر فراریان از نبرد جسر قرائت می‌کرد و آن‌ها نیز می‌گریستند. پس، عمر ایشان را بخواند، اجابت

نکردند. عبدالرحمان بن عوف را بفرستاد تا ایشان را حاضر کرد. خلیفه روی به آن‌ها آورد و گفت: شما معذورید و در حرب از این گونه کار بسیار افتد. همانا معاذ معنی قرآن نداند چه خداوند می‌فرماید: «مُتَحَيِّزاً إِلَىٰ فِتْنَةٍ» (توبه: ۱۶)، این بازگشتن فرار از جهاد نیست؛ بلکه از برای امداد کار است» (کوفی، ۱۳۷۲: ۹۸).

از میان فرماندهان صدر اسلام نیز برخی مانند سعد بن ابی وقاص (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۸؛ ابن‌خلدون ۱۳۶۳: ۱/ ۵۱۶؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۱/ ۲۹۴)، مثنی بن حارثه (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۸۴۹)، ابو عبید تقفی (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۵۸) ابو موسی اشعری [در فتح رامهرمز و ترغیب به فتح ری و اصفهان در زمان زمامداری عمار یاسر بر کوفه] (کوفی، ۱۳۷۲: ۲۱۸، ۲۵۲) و نعمان بن مقرن [در مواجهه با یزگرد ساسانی] مسلمین را به جهاد تشویق می‌نمودند و جنگ‌های پیش روی را در قالب جهاد تعریف می‌کردند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۱۱).

روش‌های بهرمندی از آیات و روایات برای تحریض مردم در عصر خلافت عثمان بن عفان نیز ادامه داشت. او سعید بن عاص را در سال ۲۹ ق والی کوفه کرد و از آن‌جا به جهاد با طبرستان فرستاد (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۵۲). همین‌طور والی دیگر او یعنی عبدالله بن عامر کریز در بصره «چون نامه امیرالمؤمنین عثمان (رضی) به [او] رسید، مردمان بصره را جمع کرد و نامه عثمان بر ایشان بخواند و بر آن غزا و جهاد (خراسان و سیستان) تحریض نمود» (همان، ۲۸۱) همچنین آنان را به فتح ارمنیه دستور داد (همان، ۲۸۶؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۸۴).

۳. نوید پیروزی به مسلمانان در آیات قرآن کریم

نویدهای که قرآن به مسلمانان در نبردها داده است و همچنین سیره پیامبر (ص) در این زمینه، از عوامل روحیه بخش مسلمانان برای جنگ و جهاد بود. قرآن در آیه ۲۰ سوره فتح^۱، به مسلمانان وعده پیروزی و غنیمت‌های بسیار را می‌دهد. از ابن عباس روایت شده که مراد از مردم مورد اشاره در این آیه، پارسیان و رومیان هستند (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹:

۱. وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَازِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا- فتح: ۲۰.

۹). همچنین اشاره به آیات ابتدایی سوره روم^۱ که در آن پیش‌بینی پیروزی رومیان را بر ایرانیان می‌دهد پس از شکستی که رومیان از ایرانیان خوردند و تحقق یافتن آن وعده با اندک فاصله زمانی، ایمان مسلمانان را به قطعیت آیات قرآنی درباره پیروزی‌های نظامی افزون ساخت. پیامبر اکرم (ص) نیز در غزوه خندق (۵ ه.ق) به مسلمین نوید داده بود که بر روم و ایران پیروز خواهند شد و به قصرهای حیره، مدائن، شام و یمن دست خواهند یافت (ابن سعد، بی تا: ۴/ ۳۸؛ طبری، بی تا: ۲/ ۲۳۵-۲۳۶؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶: ۳/ ۱۹۲-۱۹۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۶۰).

تأثیر این آیات و سابقه تاریخی آن در دوره پیامبر (ص) در متون تاریخی به ویژه در گفت‌وگوی اعراب مسلمان با ایرانیان به روشنی مشاهده می‌شود. از جمله وقتی که فرستادگان مسلمان به حضور یزدگرد رسیدند و به وی گفتند: «خداوند بر ما ببخشود و پیامبری بر ما مبعوث کرد که صفاتی چنین و چنان داشت و او ما را به این‌جا که چنین و چنان است، فرا خواند و ما را وعده‌هایی چنین و چنان داد... سپس ما را به جهاد با اقوامی که نزدیک ما بودند، فرمان داد و خواست تا آنان را به دادگری فراخوانیم» (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۱۱). همچنین از عمر نقل شده است که در خطبه‌ای با استناد به آیه ۲۸ سوره فتح وعده پیروزی را به مسلمانان داد (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۷۳). ظاهراً عمر پیش از خلافت نیز از تنگدستی مسلمانان در مقابل ایرانیان و رومیان دل‌گیر بود و بدین خاطر می‌گریست و وقتی دلیل گریستنش را می‌پرسند می‌گفت تاب این اندیشه را ندارم که خسرو و قیصر فرمانروایان ایران و روم با مکنّت بسیار زندگی کنند و رسول خدا (ص) از فقر در گرسنگی به سر برد (شمیل، ۱۳۸۳: ۸۱). او هنگام خلافت با هدف بهرمندی مسلمانان از این خزائن به وعده‌های خداوند مبنی بر پیروزی مسلمانان اشاره می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد تا مهاجرت کنند؛ زیرا «خدایتان در قرآن وعده داده که آن را به شما می‌دهد و فرموده که اسلام را بر همه دین‌ها چیره می‌کند، خدا دین خویش را غلبه می‌دهد و یار خود را نیرو می‌دهد و میراث امت‌ها را به اهل آن می‌سپارد» (طبری، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۵۸۸).

۱. غُلِبَتِ الرُّومُ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳) فِي بَعْضِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بَنَصَرَ اللَّهُ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵) وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَآكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ - روم: ۱-۶.

سعد بن ابی وقاص وقتی پس از جنگ قادسیه (۱۶ه.ق) وارد مداین شد و به ایوان کسری رسید با استناد به آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره دخان^۱، قصور و نعمت‌های باقی مانده توسط ایرانیان را میراث خودشان دانست که خداوند آن را وعده و نصیب اعراب ساخته است (همان، ۵/ ۱۸۱۸).

۴. بهرمندی از اندیشه شراء نفس

شراء نفس از جمله مواردی بود که رهبران جامعه اسلامی برای تحریض به نبرد و وعده پیروزی در دنیا و آخرت از آن استفاده می‌نمودند. شراء نفس به معنای فدا کردن خود در جنگ با دشمن بود. کاربرد این واژه از آنرو است که چنین شخصی با توجه به آیات ۲۰۷ سوره بقره^۲ و ۱۱۱ سوره توبه^۳، جان خود را به خاطر عقیده خویش و در راه خدا و در قبال بهشت می‌فروخت. گروهی از خوارج را نیز «شراء» می‌خواندند که جمع «شاری» است و این بدان خاطر بود که می‌گفتند ما جان‌های خود را در راه اطاعت از خداوند و در قبال بهشت می‌فروشیم (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۲۶). فاتحان صدر اسلام از این اندیشه در جهت تحریض سپاهیان بهره می‌بردند و از مسلمانان می‌خواستند تا در قبال دریافت بهشت و ثواب اخروی جان خود را فدا نمایند. عمر با استناد به آیه ۱۱۱ سوره توبه از جهت شراء نفس، مردم را به جنگ در جبهه عراق ترغیب می‌کرد و می‌گفت که: «کیست که خویشتن را به خدا بفروشد» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۳/ ۴۲۹). مسلمانان نیز از این تفکر استقبال می‌کردند مثلاً نقل شده است که مهاجر بن زیاد حارثی از نیروهای ابوموسی

۱. كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (۲۵) وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶) وَ نَعْمَهُ كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ (۲۷) كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا ءَاخِرِينَ- دخان: ۲۵-۲۸.

۲. وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ- بقره: ۲۰۷. مشهورترین روایت شان نزول این آیه درباره امام علی(ع) است در شب هجرت پیامبر(ص) - ابن اثیر، ۱۹۸۹/۱۴۰۹: ۶۰۱/۳؛ حسکانی، ۱۳۸۰: ۵۶؛ سپس درباره سعید بن مسیب است که در راه خدا و رسول او از جان و مال خویش گذشت هنگامی که خدمت پیغمبر (ص) رسید و حضرت فرمود: ابا یحیی معامله خوبی کردی و سود بردی و آیه بالا نازل شد. همچنین درباره مسلمانی که جانش را به خدا می‌فروشد و می‌جنگد تا کشته شود و نیز گفته‌اند

این آیه در باب امر به معروف و نهی از منکر است - ذکاوتی قراقرلو، ۱۳۸۳: ۳۷.

۳. إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ عَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَى بَعْدَهُ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ - توبه: ۱۱۱.

اشعری تصمیم گرفت در حالی که روزه دار بود شراء نفس نماید. اما ابوموسی گفت: «تصمیم من بر آن است که هر روزه‌داری نخست باید افطار کند و گرنه به جنگ نخواهد رفت. مهاجر جرعه‌ی آب نوشید و گفت: من عزم امیرم را برآورده ساختم و به خدا که آب را به خاطر عطش نوشیدم. سپس سلاح بر گرفت و برفت و نبرد کرد تا شهادت یافت» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۲۷).

۵. قرائت آیات قرآن در عرصه نبرد

تکرار برخی از آیات قرآنی نیز از روش‌های ترغیب مسلمانان در عرصه نبرد بود. علاوه بر تکبیر «الله اکبر» که در بیش‌تر جنگ‌ها کاربرد داشت. گاهی برخی آیات و اذکار نیز در سپاه مسلمانان مکرر ذکر می‌شد؛ از جمله آیه «حسبنا الله و نعم الوکیل» و همچنین «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» و «نستعین بالله و نتوکل علیه» بود (طبری، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۸۱۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶: ۷ / ۶۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱ / ۵۲۱). طبری در شرح فتوحات به این نکته اشاره می‌کند که تلاوت گروهی برخی سوره‌ها قبل از نبرد دل‌های آنان را به وجد می‌آورد و چشمانشان را روشن و به آن‌ها اطمینان خاطر می‌بخشید (طبری، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۷۱۱). همان‌طور که روایت شده است پیامبر (ص) هنگام تلاقی با دشمن سوره جهاد (انفال) را تلاوت می‌کردند و از آن پس مردم پیوسته این سوره را در نبردها می‌خواندند (همان: ۴ / ۱۵۳۷). به طور مثال سعد ابن ابی وقاص در نبرد قادسیه «فرمان داد تا سوره‌های جهاد، چون سوره انفال را برای مردم بخوانند. بدینسان مردم را به هیجان آورد» (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱ / ۵۱۶).

۶. بهره‌مندی از آیات در هنگام کثرت سپاهیان دشمن

مسئله کمی نیروهای اعراب نسبت به دشمن در جنگ‌های اولیه نیز از موضوعاتی بود که نیازمند روحیه‌سازی مناسب داشت. البته این امر موضوع جدیدی نزد آن‌ها نبود؛ بلکه میراثی برجای مانده از گذشته و عصر رسول گرامی اسلام بود. مسلمانان در زمان پیامبر (ص) در غزوه بدر که در ماه رمضان سال دوم هجرت (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲ / ۲) و غزوه خندق که در شوال سال پنجم هجرت (همان، ۱۵۲) رخ داد، با تعداد سپاهیان کم‌تر نسبت به مشرکین جنگیدند و هر صد نفر از مسلمانان موظف شده بودند تا در مقابل دویست

نفر از مشرکان بجنگند^۱ (زرگری نژاد، ۱۳۸۵: ۳۸۱). در روند فتوحات عصر خلفای اولیه نیز خصوصاً در ایران تعداد سپاهیان دشمن نسبت به اعراب بسیار بیش تر بود. همان طور که در فتوح البلدان بلاذری و اخبار الطوال دینوری و منابع دیگر ذکر آن آمده است. چوکسی در این باره می گوید: «با این همه آن ها (اعراب) نباید برای واحدهای نظامی ساسانی که از لحاظ تعداد، تجهیزات، آموزش جنگی و تجربه در نبرد بر آنان (اعراب) برتری داشتند، تهدید جدی محسوب می شدند» (چوکسی، ۱۳۸۱: ۲۵). اما سپاه اسلام با تاسی به سنت رسول الله (ص) در جنگ های عصر خود و همچنین احتجاج به قرآن کریم، از جمله داستان مواجهه طالوت و جالوت در آیه ۲۴۹ سوره بقره^۲ که در مجموع مشحون از یک حقیقت قرآنی است که خدای تعالی قادر است عده ای بسیار قلیل را بر لشکری بسیار کثیر یاری دهد با دلگرمی در برابر سپاه دشمن قرار می گرفتند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۴۱-۴۴۲).

از جمله نمونه های مواجهه ایرانیان با اعراب که روایت های تاریخی از برتری نفرات ایرانیان یاد کرده اند در نبرد پل (۱۳ه.ق) است که اعراب هیچ گاه، سپاهی چون سپاه ایران ندیده بودند، آنان می گفتند «با چنان ساز و برگ و چنان شکوهی آمده اند که کس چنان به جنگ مان نیامده است» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱ / ۲۷۸). نقل است سلیط بن قیس به ابو عبید ثقفی فرمانده عرب در این جنگ گفت: «مبادا خود را بدین ورطه گرفتار سازی که من شمار سپاه عجمان را بسیار می بینم» (ابن العبری، ۱۳۷۷: ۱۳۵) در نبرد قادسیه نیز آورده اند که: «کافران (ایرانیان) به تقریب یکصد و بیست هزار مرد بودند و سی پیل جنگی داشتند. رایت بزرگشان را نیز که درفش کاویان می خواندند به همراه آورده بودند. سپاه مسلمانان بین نه تا ده هزار مرد بودند» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۶۴). همچنین در نبرد جلولاء (۱۹ه.ق) نیز تعداد نیروهای ایرانی بیشتر از اعراب بود و اعراب در حدود یک سوم ایرانیان بودند (کوفی، ۱۳۷۲: ۱۵۲). مسأله کثرت نیروی ایرانیان بر اعراب در نبرد نهاوند نیز صادق بوده است. شمار ایرانیان در آن روز شصت هزار و به قولی صد هزار تن بود

۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّصِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵) الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ - انفال: ۶۵-۶۶.

۲. كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ - بقره: ۲۴۹.

(بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۲۷) و در برخی منابع تا صد و پنجاه هزار سوار نیز گفته شده است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۷۹). که به نظر می‌رسد دور از واقع باشد. امام علی (ع) نیز در جریان مشورت عمر با صحابه رسول خدا (ص) قبل از نبرد نهاوند به این نکته اشاره می‌فرماید و به عمر می‌گوید: «ما در روزگار پیامبرمان که سلام و درود خدا بر او باد و پس از رحلت آن حضرت به کثرت عدد با دشمن پیکار نکرده‌ایم» (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۶۹).

سپاه اسلام حتی در عصر سقوط امپراطوری ساسانی نیز در برخی نبردها مقابل باقی‌مانده لشکریان امپراطوری ایران از تعداد کم‌تری برخوردار بود. از جمله نقل شده است که عبدالله بن عامرکزیز در سال سی و یکم هجری وقتی از بصره به قصد فتح خراسان لشکر کشید از باب نگرانی درباره قلت نفرات خودی نسبت به دشمن به سپاهیان گفت: «شما اندک‌اید و دشمن بسیار، مبادا که از این به هراس افتید. بسا گروه اندک که بر گروهی پر شمار به اذن خدا پیروز آمده‌اند» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱ / ۳۶۸). در نتیجه این‌که گروه اندکی می‌تواند بر گروه کثیر غلبه یابد، تجربه‌ای بود که اعراب از قبل در دوره پیامبر (ص) داشتند و با تاسی به آیات قرآن توانستند پیروزی‌های مهمی را بدست آورند.

۷. شور و مشورت و اهمیت آن در فتوحات

از دیگر تأثیرات آیات اسلامی در جهت پیروزی‌های اولیه اعراب توصیه به مشورت در مسائل نظامی بود.^۱ هرچند باید گفت که پیش پنداشت‌های ساختار قبیلگی درباره مشورت نیز در این امر دخیل بوده است؛ زیرا آنچه از گذشته نزد اعراب رایج بود این بود که «در انتخاب شیخ قبیله سالخوردگی و صفات ممتاز رعایت می‌شد (اما) در مسائل قضایی و جنگی و دیگر کارهای عمومی شیخ دارای قدرت و استبداد نبود، بلکه می‌بایست در هر کار با انجمن قبیله که از بزرگان قوم و سران خاندان‌ها تشکیل می‌شد مشورت کند» (حتی، ۱۳۴۴: ۱ / ۳۹). همان‌طور که پیامبر (ص) نیز در غزوات، با اصحابشان مشورت می‌نمودند. در غزوه بدر (۲.ه.ق) برای بازگشت به مدینه و یا جنگ با قریش با آنها مشورت کردند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۰). همچنین در غزوه احد (ماه شوال سال دوم هجرت) اصحاب را جمع و با آنها مشورت نمود که برای جنگ از شهر خارج شوند و یا در شهر بمانند و در حالی که خود آن حضرت مایل بود که مردم در شهر بمانند و قریش را به حال خود گذارند؛ اما نظر بیش‌تر اصحاب متفاوت بود که در نهایت پیامبر

۱. وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ - آل عمران: ۱۵۹؛ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ - شوری: ۳۸.

(ص) آن را پذیرفتند (همان، ۸۸). در غزوه خندق (شوال سال پنجم هجرت) نیز پیامبر(ص) با پیشنهاد سلمان بود که دستور حفر خندق را به مسلمانان داد و خود نیز در حفر آن شرکت کردند (همان، ۱۵۴).

خلفای اولیه و فرماندهان آن‌ها نیز به توصیه‌های قرآن و سیره پیامبر گرامی اسلام برای مشورت در امور نظامی عمل می‌کردند. عمر در جنگ قادسیه (۱۴ه.ق) با صحابه رسول خدا مشورت کرد که در مواجهه با ایرانیان چه کار بایستی کرد. وی اصحاب رسول خدا (ص)، از جمله علی (ع) و طلحه و زبیر و عبدالرحمان را فرا خواند و با آنان مشورت نمود. آنان گفتند که «او در جای خود بماند و مردی دیگر از صحابه را با سپاهی بدین مهم بفرستد. تا خداوند فتوحی نصیب مسلمانان سازد و دشمنشان را نابود گرداند. عمر این رأی را بپسندید و سعد بن ابی وقاص را بدین مهم نامزد کرد» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۱/۵۰۹). در نبرد نهاوند (۲۱ه.ق) نیز همین شیوه را در پیش گرفت و با صحابه به شور نشست. هر کس نظری داد، طلحه چیزی گفت، عثمان سخن دیگر، اما نظر علی (ع) پذیرفته شد. علی (ع) گفت: «اگر همه لشکر شام را از شام بیرون ببری رومیان آهنگ بستگان و زن و فرزندان ایشان می‌کنند و اگر همه لشکر یمن را حرکت دهی، حبشی‌ها بر سرزمین ایشان هجوم می‌آورند و اگر خودت از این حرم بیرون شوی چنان کار برای تو دشوار می‌شود که ممکن است از پشت سر خود نگران‌تر از پیش روی خود شوی و چون ایرانیان ترا مقابل خود ببینند خواهند گفت که این پادشاه تمام سرزمین عرب است و موجب خواهد شد که سخت‌تر جنگ کنند، و ما در روزگار پیامبرمان که سلام و درود خدا بر او باد و پس از رحلت آن حضرت به کثرت عدد با دشمنان پیکار نکرده‌ایم، معتقدم برای شامی‌ها بنویسی که دو سوم ایشان در شام باقی بمانند و یک سوم ایشان حرکت کنند؛ همچنین با مردم عمان و دیگر استان‌ها و شهرها» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۷۹). عمر حتی با غیر اعراب نیز در مسائل نظامی مشورت می‌کرد. در جریان فتح نهاوند با هرمزان شور کرد و پرسید «رأی تو چیست از اصبهان آغاز کنیم یا از آذربایجان. هرمزان گفت اصبهان سر است و آذربایجان دو بال. اگر سر را ببری بال‌ها و سر همه به زمین خواهد افتاد» (مجمعل‌التواریخ و التخصص، ۱۳۱۸: ۲۷۶). پس از فتح سواد به دست مسلمانان نیز عمر درباره آن با اصحاب رسول خدا مشورت کرد و بعضی از ایشان گفتند: آن را در میان ما بخش کن، پس با علی (ع) مشورت کرد و او گفت: «اگر امروز آن را بخش کنی برای کسانی که پس از ما باشند چیزی نخواهد بود، لیکن آن را بدست ایشان می‌سپاری

تا در آن کار کنند و برای ما و آیندگان هر دو باشد» و عمر این نظر را پذیرفت (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۳۹). بنابراین، شور در قرآن و سیره پیامبر (ص) توصیه شده و خلفا هم از آن به عنوان تاکتیکی در امر فتوحات استفاده نمودند.

۸. توجه به وحدت در عرصه نبرد

از اصول مسلم تاکتیک نظامی و جنگی «اصل وحدت فرماندهی» است که در ادبیات نظامی از آن به یکی از اصول نه‌گانه جنگ یاد می‌شود (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰: ۲۱). ضرورت حفظ وحدت و دوری از تفرقه که از عوامل مهم پیروزی است، مورد توجه و نظر فرماندهان و مجاهدین صدر اسلام بوده است. آنان با استناد به آیات قرآن این مهم را به جنگ‌جویان و جهادگران متذکر می‌شدند. درحالی که تا قبل از اسلام، وحدت فقط در ساختار قبیله‌ای مفهوم داشت؛ اما با ظهور اسلام و رهبری پیامبر (ص)، تفرقه در بین اعراب تا حدودی به فراموشی سپرده شد و تسلط نظام قبیله‌ای، جای خود را به نظام مدنی (امت) داد. گرچه با رحلت پیامبر (ص) فرهنگ نظام قبیله‌ای و اختلاف در ماجرای سقیفه بازتولید شد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۰۲)؛ اما آغاز فتوحات در عصر خلافت ابوبکر باعث شد تا اختلافات قبیله‌ای تا حدودی کم‌رنگ گردد.

شتاب فتوحات در عصر عمر وحدت بیش‌تری را می‌طلبید و مسلمانان ناگزیر اختلافات داخلی و قبیله‌ای را کنار نهادند. عمر خطاب به آنها می‌گفت: «خداوند، مسلمانان را به اسلام گرد کرد. دل‌هاشان را به هم نزدیک ساخت. آنان را برادر یک‌دیگر خواند. چه، مسلمانان در میان خود، به اندام‌های یک تن می‌مانند که آسیب هر یک، آسیب همه است» (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۹۱). وی با استناد به آیه ۴۶ سوره انفال^۱ علت زبونی و سستی را ستیز بین یارانش می‌دانست (همان، ۳۴۵). او در پیامی دستوری خطاب به عبدالله بن قیس (ابوموسی اشعری) هنگام فتح مناطق اهواز تأکید کرد که مردمان را به خواندن قرآن تحریض کن و از ذکر ایام جاهلیت و رسوم قبل از اسلام برحذر دار؛ زیرا این امر باعث یادآوری کینه‌ها و عداوت‌ها و در نتیجه ایجاد تفرقه و عدم وحدت در بین سپاهیان می‌شد (کوفی، ۱۳۷۲: ۲۱۰).

وحدت اعراب در هنگام فتوحات تجلی بسیاری داشت. به طوری که در هنگام نبرد قادسیه (۱۶ ه.ق) وقتی رستم فرخزاد از مغیره ابن شعبه فرستاده عرب می‌پرسد: «آیا تو

۱. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَزَعُوا فِتْنَةً لَّكُمْ وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ- انفال: ۴۶.

مهتر آنان هستی؟ می‌گوید: نه ولی همه مسلمانان چون تنی واحد هستند» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۱۴)؛ سایر فرستادگان نیز به این امر اشاره می‌کنند که «خداوند به ما اسلام را داد و به موجب آن متحد شده‌ایم و اسلام هم جهاد را بر ما واجب نمود» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۲۴۳). در نبرد جلولا نیز (۱۶ه.ق) اتحاد اعراب موجب پیروزی ایشان شد (بلادری، ۱۳۳۷: ۳۷۸). همچنین در نبرد نهاوند نعمان بن مقرن مزنی فرمانده سپاه اعراب آنان را تشویق به وحدت در جنگ در برابر دشمن کرد و گفت: «چون من الله اکبر گفتم سوار شوید و چون الله اکبر دوم را گفتم شمشیرها را از نیام بکشید و نیزه‌ها را آماده کنید و کمان‌ها را به زه کنید. چون بار سوم الله اکبر گفتم، بر ایشان حمله کنید حمله‌ای که مانند حمله یک تن باشد» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۸۵۷). بنابراین، وحدت نیز یکی دیگر از عوامل پیروزی اعراب بر ایرانیان بود. البته نیاستی تعصبات قومی و قبیله‌ای اعراب و همچنین دشمن مشترک را از نظر دور داشت که این عامل خود باعث وحدت در سپاه مسلمانان می‌شد. در تمام شئون زندگی اعراب چه قبل از ظهور اسلام و چه بعد آن تأثیر نظام قبیله‌ای را نیاستی از یاد برد. از جمله در نبرد قادسیه فردی به نام ابو محجن ثقفی به دلیل شراب خواری در محبس بود اما پس از شروع نبرد خود را به کارزار رسانده و جنگید که عامل نبرد او نه تعصبات مذهبی، بلکه تعصبات عربی و قومی بود (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۷۱-۶۷۴). همچنین در همین نبرد وقتی اشعث بن قیس جنگاوری مردانی از قبیله بنی‌اسد را دید، قبیله خود را را سرزنش کرد و این موجب شد تا «آنان به هیجان آمدند و حمله آغاز کردند و صفوفی را که در مقابلشان بود، از جای برکنند» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۱۶). این روایات حکایت از غلبه روحیات قبیله‌ای و فرهنگ جاهلی بر بخشی از سپاه اسلام داشت که آن نیز در موارد این‌گونه می‌توانست عاملی وحدت‌آفرین و روحیه بخش باشد. بنابراین وحدت یکی دیگر از عوامل پیروزی اعراب بر ایرانیان بود. گرچه هدف یکی (پیروزی بر دشمن)؛ اما انگیزه‌ها متفاوت بود، یکی برای رضای خدا می‌جنگید و دیگری برای کسب غنیمت و آن یکی برای تعصب قبیله‌ای.

نتیجه‌گیری

ظهور اسلام و نزول وحی در شبه جزیره عربستان، باعث تحول بنیادینی در رفتار و منطق و قول و فعل اعراب شد. قرآن کریم در دوره مورد بررسی حضور پررنگی در اقوال و پایه اعمال رهبران اسلامی به طور اخص و مسلمانان به طور اعم داشته است. آنان در

امور مختلف برای توجیه و سپس فرامین و انجام کارهای خود به قرآن استناد می نمودند. مسلمانان و فاتحان می کوشیدند به اعمال و اقوال خود، صبغه قرآنی ببخشند. بهرمندی از اندیشه جهاد در آیات قرآن کریم و روایت اسلامی جهت تحریک مسلمانان برای فتوحات یکی از موارد تأثیر قرآن در فتوحات عصر خلفا بود. نوید پیروزی به مسلمانان در آیات قرآنی یکی دیگر از موارد الهام بخش به فاتحان صدر اسلام بود. دلگرمی که آنان از روایتها و آیات قرآنی در این زمینه به دست می آوردند؛ عامل مهمی در روحیه بخشی به سپاه اسلام بود. همچنین مسلمانان به تأسی از قرآن و سنت پیامبر اسلام به مشورت در امور نظامی توجه ویژه ای داشتند. تأثیر الهام بخش دیگر قرآن و روایت های اسلامی بر فاتحان مسلمان توجه به وحدت و دوری از تفرقه در عرصه نبرد بود. قرآن مسلمانان را به آیه مبارک: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)، توصیه می نماید که همین در ایجاد روحیات وحدت آفرینی نقش مهمی داشت. البته باید این نکته را متذکر شد که عوامل یاد شده تنها دلایل پیروزی اعراب مسلمان نبود و عوامل دیگری نیز در این پیروزیها دخیل بود؛ اما چون موضوع پژوهش حاضر بررسی نقش قرآن و روایتها اسلامی در فتوحات بود به سایر عوامل پرداخته نشد. در پایان به طور کلی باید گفت این مطالعه نشان داد که مسلمانان در تاریخ صدر اسلام اندیشه جهاد، وعده الهی مبنی بر پیروزی، ضرورت وحدت و دوری از تفرقه و مشورت در روند فتوحات را از قرآن و سنت پیامبر (ص) الهام گرفتند و این الهام بخشی نقش مهمی در پیروزی های آنها داشت.

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- _____ (۱۹۸۹/۱۴۰۹). *أسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ*، بیروت، دارالفکر.
- ابن العبری، (۱۳۷۷). *مختصر تاریخ الدول*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن الفقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹). *ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۶۳). *العبر تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۴). *طبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- _____ (۱۴۱۴). *الطبقات الکبری*، بیروت، دار الفکر.
- ابن کثیر الدمشقی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸۶ / ۱۴۰۷). *البدایه و النهایه*، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر (۱۳۹۶). *السیره النبویه*، بیروت: دار المعارف.
- ابن هشام (۱۳۷۵). *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی.
- اسکات، جولی؛ هال، آیرین (۱۳۸۲). *دین و جامعه‌شناسی*، ترجمه افسانه نجاریان، تهران: نشر رسش.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بلعمی، (۱۳۷۳). *تاریخنامه طبری*، تحقیق محمد روشن، تهران: جلد ۲ و ۱، سروش، جلد ۳، ۴، ۵، البرز.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (۱۳۶۱). *دلائل النبوه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- چوکسی جمشید کرشاسپ (۱۳۸۹). *ستیز و سازش*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: نشر ققنوس.
- حتی، فیلیپ (۱۳۴۴). *تاریخ عرب*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتاب‌فروشی حاج محمد باقر کتابچی حقیقت.
- حسکانی، حاکم (۱۳۸۰). *شواهد التنزیل*، ترجمه: احمد روحانی، قم: دار الهدی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*، تهران: خیام.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱). *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۸۳). *اسباب النزول* (ترجمه ذکاوتی)، تهران: نشر نی.
- زرگری نژاد، غلام‌حسین (۱۳۸۵). *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سمت.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۳). *محمد رسول خدا*، ترجمه حسین لاهوتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

جایگاه آیات قرآن در تحلیل فتوحات اعراب مسلمان در ایران | ۳۹

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۶). *تفسیر طبری*، تحقیق حبیب یغمایی، تهران: انتشارات توس.
- _____ (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- _____ (بی تا). *تاریخ الرسل والملوک*، بیروت: دار التراث.
- طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (ابن طقطقی) (۱۳۶۰). *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عباسی، علی؛ جعفری، رضا (۱۳۹۰). «تبیین وجوه راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت نظامی*، شماره ۴۲، سال یازدهم، ۴۱-۱۱.
- علی زاده، عبدالرضا (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی دین*، حوزه و دانشگاه، شماره ۸.
- کوفی، ابن اعثم (۱۳۷۲). *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- *مجمّل التواریخ و القصص* (۱۳۱۸). تحقیق ملک الشعراء بهار، تهران: کلاله خاور.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن احمد (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی مسکویه الرازی (۱۳۶۹). *تجارب الأمم*، مترجم جلد اول ابو القاسم امامی، تهران: سروش.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- ناظمیان فرد، علی (۱۳۹۰). *سقیفه؛ بازتولید سیادت جاهلی*، پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- واقدی، محمد بن عمر واقدی (۱۳۶۹). *مغازی تاریخ جنگ‌های پیامبر(ص)*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یاقوت بن عبدالله الحموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

The Position of the Qur'anic Ayahs in the Analysis of the Conquests of the Arab Muslims in Iran

*Mohammad Hassan Beigi, * Reza Mohammadi, **Ali Zareei****

Abstract

The conquests of Arab Muslims in Iran is one of the issues that have not yet been fully explored and there are many unanswered questions. A fundamental question to ask is what role the ayahs of the Holy Qur'an played in the course of conquering Iran. The present study claims that the Qur'anic ayahs, as a guidebook for Muslims, have played a key role in Arabs' attitude and their performance in the conquests of Iran and their victory over the Sassanid government. Therefore, taking a descriptive-analytical approach, it attempts to reconstruct the position of the Qur'anic ayahs in the calculations and mental space of Arab Muslims by re-reading the historical texts. Muslims seem to have greatly profited from the inspirations of the Qur'anic ayahs in their battles. They were encouraged by the promises of victory given to the Muslims in the Qur'anic ayahs, and aroused the spirit of self-sacrifice and martyrdom by the idea of sacrificing oneself.

Keywords: The Holy Qur'an, conquests, Arab Muslims, Iranian history, the Sasanians.

* Assistant Professor, Department of History, Arak University; Email: mohaamad.beigi@gmail.com.

** Corresponding author: PhD Student of the History of Islamic Revolution, Bu-Ali Sina University; Email: reza.muhammadi90@gmail.com.

*** PhD Student of the History of Islamic Revolution, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution; Email: Ali.zareei@chmail.ir.

| Received: July 29, 2018; Accepted: January 15, 2019|